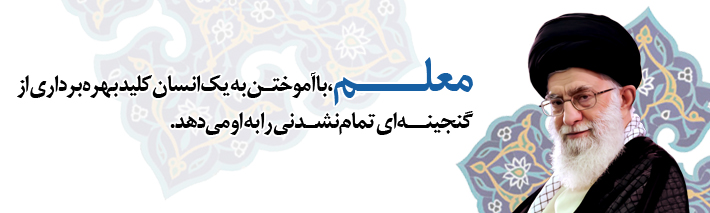
**دهه ی سرآمدی آموزش و بزرگداشت مقام استاد و معلم مبارک باد**

**( چند جمله بزرگان درباره ی معلم و مقام ارجمند او )**  
   
  
**معلم در کلام امام خمینی (ره):**  
نقش معلم در جامعه، نقش انبیاست؛ انبیا هم معلم بشر هستند. تمام ملت باید معلم باشند؛ فرزندان اسلام تمام افرادش معلم باید باشند و تمام افرادش متعلم.  
   
نقش معلم، بسیار حساس و مهم است و مسئولیت بسیار زیادی دارد. نقش مهمی است که همان نقش تربیت است که اخراج من الظلمات الی النور است.  
   
معلم، امانت‌داری است که [امانت او] غیر از همه امانت‌هاست؛ انسان، امانت اوست. امانت‌های دیگر را اگر کسی خیانت به آن بکند، خلاف کرده است، اما امانت اگر انسان باشد، اگر خدای نخواسته به این امانت خیانت شد، یک وقت می‌بیند خیانت به یک ملت است، خیانت به یک جامعه است، خیانت به اسلام است.  
   
معلم، امانت‌دار نسلی است که تمام مقدّرات یک کشور، به آن نسل سپرده می‌شود و تربیت شما باید همراه با تعلیم باشد.  
   
معلم، امانت‌داری است كه غیر از همه امانت‌ها، انسان، امانت اوست.  
   
شما معلمین، یك شغل بسیار شریف دارید كه همان شغل الله است.  
   
وظیفه معلم، هدایت جامعه است به سوی الله.  
   
كلید سعادت و شقاوت یك ملت، دست [قشر] فرهنگی است.  
   
صلاح و فساد یك جامعه به دست مربیان آن جامعه است.  
   
همه سعادت‌ها و همه شقاوت‌ها انگیزه‌اش از مدرسه‌هاست و كلید، دست معلمین است.  
   
همه معلمین در فكر این باشند كه خودشان را تهذیب كنند! باید خود را مهذب كنند تا حرفشان در دیگران اثر كند.  
   
این نونهالانی كه امید آتیه كشور اسلامی هستند، این‌ها امانت‌هایی هستند در دست معلمین.  
   
معلمین آموزش و پرورش، اگر خودشان یك پرورش صحیح نداشته باشند و یك تعلیم صحیح، نمی‌توانند جوان‌ها را تعلیم كنند و آموزش بدهند و پرورش بدهند.  
   
هر مقداری كه انسان عظمتش زیادتر باشد، مسئولیتش زیادتر است و چون معلم عظمتش زیادتر است، مسئولیتش زیاد است.  
   
معلم اگر خوب باشد، مملكت خوب می‌شود؛ معلم اگر منحرف باشد، مملكت خراب می‌شود. پس شمایید كه می‌توانید یك مملكتی را به پیش برانید؛ هم معنویاتش را و هم مادیاتش را و بنمایید كه می‌توانید یك مملكتی را خدای نخواسته به عقب برانید؛ هم معنویتش را و هم مادیاتش را.  
   
شما معلمان و مربیان هستید كه فردا را می‌سازید.  
   
در اسلام، معلم یك مقام حقیقتاً والاست.  
   
   
  
**معلم در کلام مقام معظم رهبری ( مد ظله ):**  
امروز همه باید تکریم به معلمان را، در فضاى فرهنگى جامعه و در ذهن مردم بیش‌ازپیش تشدید کنند.  
   
این معلمان چقدر عزیزند! این شغل معلمى چقدر ارزشمند است! این مرتبه تعلیم چه قدر والا و بلند است که همه انسان‌هاى فرزانه، انسان‌هاى بزرگ و برجسته، هرجایى که باشند، خود را پرورده دست معلم مى‏دانند و سایه معلم را بر سر خودشان حس مى‏کنند!  
   
تکریم نسبت به معلم و بزرگداشت او به معناى واقعى کلمه، آثار بسیار مثبتى را در فرهنگ جامعه و تعلیم و تربیت باقى مى‏گذارد.  
   
شما معلمان و مربیان و نسل جوان هستید که فردا را مى‏سازید و استکبار جهانى را مأیوس مى‏کنید و نقطه امید روشن را ... در دل مستضعفان عالم زنده نگه مى‏دارید.  
   
شما معلمان هستید که فردا را مى‏سازید.  
   
معلم با آموختن به یک انسان کلید بهره‏بردارى از گنجینه‌ای تمام‌نشدنی را به او مى‏دهد.  
   
معلم متحول کننده جان لایعلم انسان‌ها به روان عالم است.  
   
نقش معلم و مربى در جامعه ما، نقش تراز اول است.  
   
دست توانای معلم است که چشم‌انداز آینده ما را ترسیم می‌کند. اگر می‌بینید که امیر مؤمنان، مولای متقیان علی (ع) می‌فرماید: "من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً؛ هرکس چیزی به من بیاموزد، مرا غلام خویش کرده است" این بیان برای ما درس است تا معلمان، قدر خود را بدانند و تشخیص دهند که چقدر، وجود آن‌ها در سرنوشت یک ملت مؤثر است.  
   
شما [معلم‌ها] در سر کلاس، نه فقط درسی که می‌دهید، بلکه نگاهی که می‌کنید، اشاره‌ای که می‌کنید، لبخندی که می‌زنید، اخمی که می‌کنید، حرکتی که انجام می‌دهید و لباسی که می‌پوشید، بر روی دانش‌آموز اثر می‌گذارد.  
   
ما به خودمان که مراجعه می‌کنیم، عمیق‌ترین احساسات و عواطف و حالات خودمان را اگر ریشه‌یابی کنیم، در انتهای خط، یک معلم را مشاهده می‌کنیم.  
   
معلم است که ما را می‌تواند شجاع یا جَبان، بخشنده یا بخیل، اهل علم و طالب علم و فهم و فرهنگ یا منجمد و بسته و پای‌بند به تفکرات جامد بار بیاورد.  
   
معلم است که می‌تواند ما را متدین، باتقوا، پاک‌دامن یا خدای ناکرده بی‌بندوبار، بار بیاورد.  
   
احترام به استاد، احترام به علم است.  
   
در منطق اسلام مسئله تعلیم و تربیت؛ به معنای زندگی بخشیدن به فرد و جامعه است؛ اما در نگاه تمدن مادی، معیار ارزش‌گذاری معلم، قابلیت تبدیل فعالیت‌های او به پول است.  
   
نگاه به معلم باید همان نگاه اسلامی باشد که در آن، متعلم در مقابل معلم در اوج ادب، سپاسگزاری و خضوع قرار داد و آحاد مردم نیز به معنای حقیقی برای معلم؛ احترام و ارزش قائل‌اند.  
   
**معلم در کلام استاد شهید مطهری ( ره ):**  
معلم باید نیروی فکری متعلم را پرورش دهد و او را به سوی استقلال رهنمون شود. باید قوه ابتکار او را زنده کند؛ یعنی در واقع، کار معلم آتش گیره دادن است. فرق است میان تنوری که شما بخواهید آتش از بیرون بیاورید و در آن بریزید تا آن را داغ کنید و تنوری که در آن هیزم و چوب جمع است و شما فقط آتش گیره از خارج می‌آورید و آن‌قدر زیر این چوب‌ها و هیزم‌ها قرار می‌دهید که این‌ها کم‌کم مشتعل شود.  
   
**معلم در کلام پروفسور حسابی ( ره ):**  
راه پیشرفت، ارزش نهادن به علم و تحقیق، احترام به معلمین، اساتید، دانش‌آموزان و دانشجویان است.  
   
**معلم در کلام نراقی ( ره ):**  
ملا احمد نراقی از علمای به نام شیعه، در گفتاری در باب مقام معلم می‌گوید: معلم باید قصدش از آموختن، قرب به خدا و ارشاد و رسیدن به ثواب باشد؛ نه جاه و ریاست و شهرت. معلم باید نسبت به شاگرد مهربان باشد و پیوسته او را اندرز دهد و اندازه فهم شاگرد را در تدریس رعایت کند و با او با ملایمت سخن گوید و درشتی نکند. چیزی که خلاف واقع است تدریس نکند. در آموختن نباید مضایقه کند و بخل بورزد و باید مطالبی را که شاگرد قادر به درک آن نیست بدو نیاموزد.  
   
   
**معلم در کلام شهید محمدعلی رجایی ( ره ):**  
معلمی، شغل نیست! عشق است. اگر به‌عنوان شغل انتخابش کردی، رهایش کن! و اگر عشق توست، مبارک باد.

­­­­­­­­-------------------------------------------------------------------------------------------

من ، معـــــــــلم هستم  
زندگی پشت نگاهم جاريست  
سرزمين كلمات  
تحت فرمان منست  
قصر پنهان منست  
قاصدك های لبانم هرروز  
سبزه ی نام خدا را به جهان می بخشد  
من معلم هستم  
گر چه بر گونه ی من  
سرخی سيلی صد درد درخشش دارد  
آخرين دغدغه هايم اينست :  
نكند حرف مرا هيچ كس امروز نفهميد اصلا  
نکند حرفی ماند ؟  
نكند مجهولی  
روی رخساره ی تن سو خته ی تخته سياه جا مانده ست ؟  
من معلم هستم  
هر شب از آينه ها می پرسم :  
به كدامين شيوه ؟  
وسعت ياد خدا را بكشانم به كلاس ؟  
بچه ها را ببرم تا لب درياچه ی عشق ؟  
غرق دريای تفكر بكنم ؟  
با تبسم يا اخم ؟  
با یکی بود و نبود ؟   
زیر یک طاق کبود ؟   
يا كلاغی كه به خانه نرسيد  
قصه گویی بكنم ؟  
تك به تك يا با جمع ؟  
بدوم يا آرام ؟  
من معلم هستم  
نيمكت ها  
نفس گرم قدم های مرا می فهمند  
بالهای قلم و تخته سياه  
رمز پرواز مرا می دانند  
سيب ها  
دست مرا می خوانند  
من معلم هستم  
درد فهميدن و فهماندن و مفهوم شدن همگی مال منست ،  
من معــــــــــــــلم هستم ...

" سروده: خانم نجمه امامی "